

# بررسی فن نویسندگی در پنج اثر از محمد مدعلی

سامی صالحی ثابت

هدف اصلی این نوشته تشخیص تکنیک نویسندگی محمد مدعلی و تمیز ویژگی‌های خاص نویسندگی او در پنج اثر: نقش پنهان، باورهای خیس یک مرده، برهنه در باد، آدم و حوا و قصه تهمینه است که طی سیزده سال، ۱۳۷۰ (چاپ اول نقش پنهان) الی ۱۳۸۳ (قصه تهمینه) چاپ شده. اساس این بررسی بر پایه مطالعه جنبه‌های ذکر شده در کتاب جنبه‌های رمان اثر «داوود مورگان فورستر» قرار گرفته. هر چند نگارنده خود را تنها به این جنبه‌ها محدود نساخته و پا را فراتر نهاده و سعی به جستجو و کشف جنبه‌های دیگری در آثار محمدعلی داشته است:

۱- داستان: نقل یک واقعه بر حسب توالی زمانی! «بعد چه پیش می‌آید و حس انتظار» وظیفه‌ای است که این جنبه از رمان بر آوردنش را به عهده می‌گیرد! هر پنج اثر محمدعلی متضمن داستان است و داستان هر پنج رمان این توانایی را دارد که حس کنجکاوی خواننده را برای دنبال کردن رمان تا به انتها زنده و فعال نگاه دارد.

۲- اشخاص: اساس رمان بر پایه مطالعه انسان‌ها و روابط فیما بین آنهاست. اشخاص رمان‌های محمدعلی با آن که با دقت پرداخت می‌شوند ولی همگی جامع نیستند، اغلب اشخاص او شخصیت‌های ساده‌ای هستند که در جاهایی بسط می‌یابند ولی پس از مدت زمانی باز به همان شخصیت ساده آغازین باز می‌گردند به عبارتی اشخاص داستان‌های او خیلی زود تبدیل به کاریکاتور و تیپ می‌شوند! با این وجود نمی‌توان شخصیت‌های جامعی چون «منصور پانچاری» در برهنه باد، «صفیه خانم» در نقش پنهان و «تهمینه» در قصه تهمینه را نادیده گرفت. شخصیت‌هایی که از ابتدا تا انتهای رمان همچنان پیچیدگی خود را حفظ کرده و حتی این پیچیدگی را بسط می‌دهند.



در این جا لازم است نسبت به این جنبه از کار محمد علی تأمل بیشتر بکنیم. او داستان‌گویی شخصیت‌پرداز و یا دقیق‌تر و درست‌تر شخصیت‌پردازی داستان‌گوست! عمده عامل پیش برنده داستان‌های او شخصیت‌های جذاب، جالب و در عین عام بودن و خاص متفاوت اوست. به جز دو رمان آدم و حوا و باورهای خیس یک مرده که توانسته‌اند خود را از سیطره شخصیت‌ها بیرون بیاورند در بقیه آثار داستان به شدت تحت تأثیر شخصیت‌ها قرار گرفته! شخصیت‌های رمان‌های محمدعلی همگی شخصیت‌های پرداخت شده‌ای هستند که از فصل دوم به بعد درگیری‌هایی با قهرمانان داستان ایجاد می‌کنند و اساس رمان‌های او را پی می‌ریزند. گویی هدف اصلی نویسنده تحلیل و شناخت این انسان‌هاست تا تحلیل وقایع، اتفاقات در درجه دوم اهمیت قرار دارند! اتفاق و حادثه برای محمدعلی وسیله‌ای برای شناخت بهتر اشخاص و دانستن نحوه عمل و کنش آنها در قبال وقایع است.

۳- طرح: تکیه بر موجیبت و روابط علت و معلول! این وظیفه‌ای است که این جنبه از رمان یعنی طرح به عهده می‌گیرد. لازمه طرح هوش و حافظه در خواننده و گنجاندن چراها در رمان توسط نویسنده است چراهایی که به هیچ وجه تصادفی نیست! در هر پنج اثر، طرح، وظیفه اصلی خود (ایجاد شگفتی در خواننده) را به خوبی انجام داده است. یک عامل موثر در حافظه علاقه خواننده به دنبال کردن رمان، استفاده از پرش‌های زمانی است. پرش‌هایی که از حال به گذشته و بالعکس انجام می‌گیرد و به یاری این پرش‌ها کند و کاوی عمیق در تمامی جوانب وقایع صورت می‌گیرد. محمدعلی این پرش‌های زمانی را به یادآوری خاطرات گذشته - نقش پنهان - یا از طریق خواب و رویا - باورهای خیس یک مرده - و یا از طریق داستان، فیلمنامه و متن نوشته شده توسط یکی از اشخاص داستان - برهنه بر باد - یا مطالعه بخشی از یک کتاب، یاداشت و یا نامه توسط یکی از اشخاص داستان - نقش پنهان و باورهای خیس یک مرده - به خوبی انجام می‌دهد. محمدعلی برای حفظ علاقه از ابزار دیگری هم استفاده می‌کند و آن استفاده از تعلیق در شخصیت و تعلیق در واقعه است. به این ترتیب که با ایجاد حسن انتظار و کنجکاوی در خواننده از آن چه شخصیت داستان در آستانه انجامش قرار گرفته و راهنمایی نکردن خواننده برای حدس امکان وقوع چه نوع حادثه‌هایی برای شخصیت داستان و یا حتی عدم امکان حدس و تشخیص نوع واقعه احتمالی توسط خواننده و در آخرین مرحله استفاده از گمراه کردن و منحرف کردن توجه خواننده به شخصی دیگر که به هیچ وجه مدنظر او - محمد علی - نیست، به منظور نهایی که همان جلب توجه خواننده برای دنبال کردن داستان و جلوگیری از خسته شدن اوست دست می‌یابد. وارد کردن اشخاصی که خواننده کمترین احتمال حضور آنها را می‌داده، وقوع حوادث جذاب و بکر، بازخوانی حادثه‌ای که خواننده از آن مطلع است و نگاه کردن به آن حادثه از زاویه دیگر ابزارهایی هستند که به ایجاد این حس یعنی تعلیق کمک می‌کنند؛ که محمدعلی به خوبی از این‌ها استفاده کرده.

۴- فانتزی: متضمن عنصر مافوق طبیعی است، اما به آن نیازی ندارد. واقعه و شخصیت فانتزی نمی‌تواند رخ بدهد، اما نویسنده اول از ما می‌خواهد که این امکان را پذیرفته و سپس قبول کنیم. در آدم و حوا ما ردپایی از فانتزی می‌بینیم، علاوه بر آن رگه‌هایی از فرایینی پیامبر گونه - آنچه‌آنچه که فورستر در کتابش می‌گوید - نیز در این کتاب هست. برهنه در باد نمونه خوبی برای فانتزی است چرا که آشتنگی که لازمه فانتزی است در آن به وضوح نمایان است، همچنین شگفتی‌هایی

که نویسنده از ما انتظار دارد آنها را در وهله اول قبول کنیم و سپس بپذیریم: عملی که خرس نسبت به منصور پانچاری مرتکب می‌شود، مرگ صمو رجب خراط، شخصیت و مرگ سیما و خواب‌های منصور در بیمارستان نمونه‌های خوبی برای این جنبه از رمان است که محمدعلی در برهنه در باد به زیبایی از پس آن بر آمده است.

۵- فرایینی: فروتنی در برابر نویسنده - پیامبر، تعلیق حس مطایبه در خواننده و مددجویی نویسنده از چیزی اعتدالبخش خصوصیات رمانی است که واجد فرایینی شده. فرایینی خصوصیتی است که رمان را در مرتبه عالی‌تر از آنچه که هست و می‌نماید قرار می‌دهد. در میان آثار محمدعلی باورهای خیس یک مرده و تا حدود کمی نقش پنهان شامل این تعریف می‌شوند. و با توجه به این جنبه متعالی رمان می‌توان رمان باورهای خیس یک مرده را در رده‌ای بالاتر از چهار اثر دیگر قرار داد! باورهای خیس کی مرده چیزی بالاتر از تلاشی برای دست یافتن به آب در اعماق خشک و تیره و مرگیار زمین است. و حتی چیزی فراتر از یاری خواستن از شخصیت اشرافی مآب «مقنی باشی» که در سکرآت موت قرار دارد و لیکن با خروج از اعماق تیره زمین - جایگاه واقعی و شایسته‌اش! - جانی تازه می‌گیرد. آری کمک خواستن مردم از مقنی باشی یاری خواستن از روی بیچارگی از نیرویی است که با حیات یافتن قصد سلطه و حکمرانی بر آنها را در سر می‌پروراند، چرا که نهاد و سرشت او این‌گونه است! و این فرایینی محمدعلی در این رمان زیبا و جذاب است که باورهای خیس یک مرده را در مرتبه‌ای بالاتر و متفاوت از دیگر آثارش قرار می‌دهد.

۶- انگاره: حس زیبایی را تحت تاثیر قرار می‌دهد تا به رمان به عنوان یک کل واحد نظر کنیم. انگاره با اتمسفر داستان پیوند دارد و اساک در تعدد اشخاص در کمیت و صفاتشان به سود انگار است. انگاره باز هم در بهترین نمونه خود در باورهای خیس یک مرده رعایت و لحاظ شده، جایی که تشخیص کتاب به عنوان یک کل واحد نسبت به سایر آثار آسانتر است. و این مرهون شخصیت‌های اندک و البته ساده داستان و همچنین جو و اتمسفر حاکم بر کل کتاب است.

۷- ریتم: تشخیص و تعریف ریتم در رمان کاری دشوار می‌نماید ولی با این وجود فورستر ریتم را تکرار و تغییر با استفاده از نمونه‌های تصویری می‌داند. رمانی که واجد بسط یافتن است واجد ریتم نیز هست. به این ترتیب نقش پنهان، برهنه در باد و با کمی چشم‌پوشی باورهای خیس یک مرده دارای ریتمی مناسب و زیبا هستند.

در این جا بررسی فن نویسندگی محمدعلی با توجه به هفت جنبه‌ای که ارایه شد تمام می‌شود. ولی فن نویسندگی محمدعلی شامل ویژگی‌های خاص اوست که به ذکر آنها می‌پردازیم:

الف - اولین ویژگی بارز نویسندگی محمدعلی شیوه روایت است. شیوه‌ای که در هر پنج اثر رعایت و لحاظ شده: و آن نقل داستان توسط «اول شخص مفرد» است!

ب - دومین ویژگی مشترک در هر پنج اثر: اهل مطالعه و احياناً دست به قلم بودن راوی داستان است. راوی آثار محمدعلی یا خود نویسنده است - آدم و حوا، برهنه در باد، قصه تهیمنه، نقش پنهان - یا به نویسندگی علاقه دارد و زمانی دستی به آتش داشته - باورهای خیس یک مرده - و حتی آنجایی که شخص دیگری غیر از راوی اصلی وظیفه پیش بردن داستان را به عهده می‌گیرد او نیز از این قاعده مستثنا نیست - سرهنگ؛ در برهنه در باد - این نحوه داستان‌گویی و اصرار به استفاده از آن این پرسش را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا محمدعلی سعی به آن داشته خود را

پس اشخاص رمان‌هایش پنهان دارد و آیا در واقع ما خواننده و شاهد دیده‌ها، شنیده‌ها و تجربیات خود او و اطرافیان او هستیم؟ چرا که حتی در آنجایی که محمدعلی نویسنده صراحتاً وجود خود را اعلام نمی‌دارد باز هم اوست که بر همه چیز آگاه و مشرف است!

ج- حضور دو یا بیشتر تعداد راوی - نویسنده ویژگی برخی آثار محمدعلی است. به این ترتیب که خواننده داستانی را می‌خواند که پیش از این توسط شخصی - اغلب قهرمان داستان - روایت و یا نوشته شده، این حدیث نفس یا شرح مآوِغ توسط شخص دومی به نگارش درآمده و یا تصحیح و به نوعی تکمیل شده و سرانجام شخص سومی، نویسنده نهایی و داناتر به فن نویسندگی آن را به این شکل نهایی در آورده و در اختیار خوانندگان قرار داده است. که این شخص سوم کسی نیست جز محمد علی! به عنوان نمونه نقش پنهان مورد بسیار خوبی است. نویسنده اصلی داستان نه «ناصر رزاقی»، نه «خبرنگار» علاقه‌مند به پی‌گیری سرنوشت ناصر رزاقی و سرانجام ماجرای قتل پدرش، که خود محمدعلی نویسنده است، تکنیکی که در «قصه ته‌مینه» هم به کار گرفته می‌شود. به این ترتیب که «ته‌مینه سمنانی» قهرمان اصلی داستان قصد دارد سرگذشت خود را بنویسد، اما از آن جا که ناتوان از به سر انجام رساندن این کار است از دوست شاعرش یاری می‌طلبد. پس تا به این جا دو نفر داستان زندگی ته‌مینه را نوشته و بازنویسی کرده‌اند، یکی خود ته‌مینه و دیگر شاعر، اما کار به این جا ختم نمی‌شود. چرا که حاصل کار آنها را راضی نکرده و دست به دامان نویسنده سوم یعنی محمدعلی می‌شوند، و این اوست که می‌بایست این کار را به سرانجام برساند. با توجه به مضمون و محتوی رمان‌های ذکر شده این سوال مطرح می‌شود که آیا ملاحظات چاپ و نشر و البته گریز از در معرض سانسور قرار گرفتن سبب انتخاب و گزینش این تکنیک توسط محمدعلی شده؟ و یا میل محمدعلی به استفاده از این پیچیدگی بوده است برای چند صدایی کردن رمان یا تعلیق راوی؟

د - دیگر ویژگی آثار محمدعلی دوره تاریخی داستان‌های اوست. این پنج اثر - به جز آدم و حوا - یا در سه دوره تاریخی شکل گرفته و یا به نحوی از آن تاثیر پذیرفته‌اند. دوره «رضا خانی»، دوران حکومت «محمد رضا شاه» و بالاخره دوران «معاصر: انقلاب، جنگ، پس از جنگ و تاکنون». تمام این دوره‌ها دوران‌هایی هستند که قهرمانان و اشخاص رمان‌های او آنها را تجربه کرده‌اند. و ادبیات محمدعلی تحت تاثیر این دوره‌های تاریخی مشحون از اصطلاحات نفز و البته سلیس و روان بوده که گاه با به کارگیری الفاظ جالب، جذاب و به جا خواننده را غافلگیر می‌کند.

در انتها، به عقیده نگارنده در میان این پنج اثر به جز باورهای خیس یک مرده که بلاشک در ردیف اول قرار می‌گیرد. برهنه در باد برتری تکنیکی محسوسی نسبت به بقیه آثار دارد. نقش پنهان از جمله آثار قابل تامل و زیبایی محمدعلی است. آدم و حوا از لحاظ دانش تاریخی مذهبی و جدایی داستانی شایسته و بایسته بیش از یک بار خواندن است. و قصه ته‌مینه از این نظر در ردیف آخر قرار می‌گیرد! چرا که محمدعلی در قصه ته‌مینه به منظور بازخوانی داستانی امروزی در افسانه و اسطوره‌های قدیمی می‌توانسته بسیار موفق‌تر از این باشد.

